

به نام خدا



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

خلاصه گزارش طرح پژوهشی سازمانی

عنوان طرح پژوهشی

شناسایی ابعاد تحول در نظام آموزش عالی ایران و تحلیل ابزارهای سیاستی مرتبط با این ابعاد

تاریخ شروع طرح پژوهشی	۱۴۰۲/۶/۲۲	تاریخ پایان طرح پژوهشی	۱۴۰۳/۸/۸
نام و نام خانوادگی مجری طرح پژوهشی	رضا حسان		
نام و نام خانوادگی همکاران طرح پژوهشی			

درباره طرح پژوهشی

موضوع تحول در نظام آموزش عالی یکی از موضوعات مهمی است که برای چند دهه موضوع پژوهش‌های بسیاری در دنیا بوده است. تغییرات ناشی از تغییر اقتصاد جهانی به سمت اقتصاد دانش‌محور، تغییر جایگاه دانشگاه‌ها در اقتصاد ملی و تعیین وظایف جدید برای دانشگاه‌ها و مانند این‌ها موضوع تحول در دانشگاه‌ها را به یک ضرورت تبدیل کرده است. در کشور ما این موضوع چندان مورد توجه قرار نگرفته است. موضوع تحول در نظام آموزش عالی معمولاً به صورت تک پروژه‌هایی در بعضی از دولت‌ها پیگیری شده است. بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری در ایران نشان می‌دهد این موضوع چندان مورد توجه پژوهشگران حوزه سیاست‌گذاری نیز قرار نگرفته است. این پژوهش باهدف شناسایی ابعاد تحول در نظام آموزش عالی و بررسی ابزارهای سیاستی مرتبط با این ابعاد انجام گرفته است. برای رسیدن به این هدف پرسشهای زیر طرح و پاسخ داده شده است. اسناد بالادستی سیاستی در کشور چگونه به موضوع تحول در نظام آموزش عالی پرداخته‌اند؟ ابعاد تحول در نظام آموزش عالی کدام‌اند؟ ابزارهای سیاستی مرتبط به ابعاد تحول در نظام آموزش عالی کدام‌اند و چه ویژگی‌هایی دارند؟

روش پژوهش

این پژوهش در دو مرحله انجام شده است. مرحله اول: با توجه به ویژگی اکتشافی این پژوهش و هدف آن، از روش پژوهش کیفی استفاده شده است. در این راستا ابتدا با مرور ادبیات و بررسی اسناد بالادستی نظام آموزش عالی، ابعاد تحول طرح شده در این اسناد استخراج شده‌اند. مرحله دوم: در این مرحله با انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با صاحب‌نظران و مدیران حوزه علم و فناوری و نظام آموزش عالی ابعاد تحول در نظام آموزش عالی شناسایی و ابزارهای سیاستی موجود مرتبط با این ابعاد مشخص شدند. جامعه پژوهش حاضر شامل دو گروه است، گروه اول شامل متون موجود و گروه دوم متخصصان حوزه سیاست‌گذاری و تأمین منابع مالی می‌شود. این متخصصان از میان سیاست‌گذاران حوزه علم و فناوری (مانند مسئولان دانشگاهی و نهادهای مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و مشاوران آن‌ها) و همچنین متخصصین و صاحب‌نظران این حوزه انتخاب شدند. این افراد به صورت هدفمند انتخاب شدند و پس از مصاحبه، از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی به تعداد آن‌ها افزوده شد و مصاحبه‌ها ادامه یافت. به طور کلی ۱۴ مصاحبه در این مرحله انجام شد. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. برای اطمینان از اعتبار پژوهش از بازنگری هم‌تراز بهره گرفته شد. در این روش مصاحبه‌ها به همراه کدهای استخراج شده به دو نفر متخصص که در مصاحبه حضور نداشتند داده شد تا بررسی و تحلیل شوند. بدین ترتیب سعی شد مشخص شود آیا آنچه توسط این ناظرین به دست آمده با یافته‌های پژوهش هم‌خوانی دارد یا خیر. در صورت وجود اختلاف نظر، تحلیل مجدد داده‌ها تا رسیدن به تأیید و اجماع نهایی انجام می‌شد.

یافته‌های طرح پژوهشی

در این پژوهش سه پرسش طرح شد است که به ترتیب پاسخ آن‌ها به صورت اجمالی ارائه می‌شود. پرسش اول: اسناد بالادستی سیاستی در کشور چگونه به موضوع تحول در نظام آموزش عالی پرداخته‌اند؟ مهم‌ترین اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور شامل سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش

عالی، تحقیقات و فناوری)، نقشه جامع علمی کشور می باشد. این اسناد به خود موضوع تحول و اصلاحات اشاره داشته و همچنین به ابعاد تحول اشاره داشته اند. راهبرد ۵ سند جامع علمی کشور به موضوع تحول در نظام آموزش عالی اشاره مستقیم دارد: « تحول و نوسازی نظام تعلیم و تربیت اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی به منظور انطباق با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و تحقق اهداف کلان نقشه». در خصوص ابعاد تحول، به عنوان مثال در سند جامع علمی کشور یک بند صریحا به موضوع اعتبار بخشی اشاره کرده: « ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی تحت نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی». پرسش دوم: ابعاد تحول در نظام آموزش عالی کدامند؟ در این پژوهش، جنبه های مختلف نظام آموزش عالی را که اصلاح آنها می تواند باعث تحول در این نظام شود را معرفی کردیم. این جنبه ها شامل مواردی است که در ادامه آمده اند. اصلاح ساختار سازمانی باهدف بالا بردن چابکی دانشگاه ها در پاسخ به تغییرات محیط بیرونی، اصلاح نحوه تامین مالی پژوهش ها باهدف جهت دهی و برنامه محور کردن پژوهش ها در راستای پاسخ به مسائل کشور، ایجاد نظام اعتبار بخشی باهدف تضمین کیفیت برنامه های آموزشی دانشگاه ها، و همچنین ایجاد نظام و برنامه آموزشی دانشگاه ها و توانمندسازی اعضای هیئت علمی باهدف بالا بردن کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی. پرسش سوم: ابزارهای سیاستی مرتبط به ابعاد تحول در نظام آموزش عالی کدامند و چه ویژگی هایی دارند؟ در این پژوهش در رابطه با ساختار سازمانی، آئین نامه جامع مدیریت دانشگاه ها، در رابطه با تامین مالی پژوهش، آئین نامه های تامین مالی پژوهش در شورای عالی عتف، و همچنین بنیاد علم ایران، و آئین نامه گزینش داخلی دانشگاه ها مورد بررسی قرار گرفت، در خصوص اعتبار بخشی، ماده واحده تشکیل سازمان سنجش و ارزشیابی نظام آموزشی مورد تحلیل قرار گرفت، همچنین آئین نامه طرح دانش افزائی و توانمند سازی اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و موسسات پژوهشی و فناوری در خصوص موضوع توانمند سازی اعضای هیئت علمی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این بخش پیشنهادات سیاستی به تفکیک چهار بعد اصلی شناسائی شده برای تحول در نظام آموزش عالی به صورت خلاصه ارائه می گردد.

ساختار سازمانی: ساختار سازمانی نسبت به دیگر ابعاد تحول داری اهمیت بیشتری است. برای اینکه موسسات آموزش عالی چابکتر شوند و به سمت آموزشها و پژوهشهای چند رشته ای بروند نیاز است تغییراتی مانند موارد زیر در ساختار سازمانی دانشگاهها که در آئین نامه مدیریت دانشگاهها مشخص شده است ایجاد شود.

- ایجاد برنامه های آموزشی به جای رشته های آموزشی
- ایجاد و حمایت از هسته های پژوهش با مشوقهای مانند تخصیص دانشجو به هسته ها، تامین مالی پژوهش هسته ها

حمایت و جهت دهی پژوهش: در سند نقشه جامع علمی کشور بر حمایت و جهت دهی پژوهشهای دانشگاهی تاکید شده است «هدایت منابع و بودجه های آموزشی و پژوهشی به سوی نیازها و مأموریت های ملی» ابزار تامین مالی یکی از مهمترین ابزارها برای این مهم است. خلاء ها و ظرفیت های ابزارهای تامین مالی کشور در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس تحلیل انجام شده مجموعه پیشنهاد های سیاستی زیر برای اصلاح تامین مالی پژوهش ارائه می شود:

- حرکت به سمت مأموریت محور کردن پژوهش ها با ارائه ابزار تامین مالی برنامه ای و موضوع محور.
- افزایش مقیاس ابزارهای تامین مالی چه در بعد زمان و چه در بعد میزان تامین مالی
- تعریف ابزارهای جدید با راهبرد بین المللی سازی و استفاده از ظرفیت ارتباطات بین المللی برای کسب فناوری.
- تعریف ابزارهای جدیدی با رویکرد تقویت همکاری در پژوهش به خصوص همکاری با صنعت.
- حرکت به سمت رقابت پذیری با تعیین تعداد محدود طرح ها برای پذیرش در فراخوان های پژوهشی و تامین مالی پژوهش در یک روند رقابتی؛
- تغییر در فرایندهای ابزارهای موجود: تعیین موارد مجاز هزینه کرد، دو مرحله ای کردن بررسی پیشنهادها.
- بازنگری در رویکرد رو به گذشته گرنت های دانشگاهها پژوهشگاهها (پرداخت گرنت بر اساس مقالات گذشته و کارکرد گذشته) و حمایت از طرح های نوآورانه و فناورانه.

- بازتعریف نقش و جایگاه شورای عالی عتف به عنوان اصلی ترین کنش گر فضای تامین مالی پژوهش و تجهیز این شورا با ابزارهای تامین مالی پژوهش به خصوص ابزارهای با ماهیت برنامه ای و موضوعی.

اعتبار بخشی: یکی از جنبه های تحول در نظام آموزش عالی اعتباربخشی است که نیاز است مورد توجه قرار گیرد. مهمترین پیشنهاد سیاستی:

- ایجاد یک سازمان مستقل برای موضوع اعتبار بخشی در دانشگاهها در دو سطح رشته های دانشگاهی، و همچنین اعتبار بخشی به خود دانشگاه است.

توانمند سازی اعضای هیئت علمی: در حال حاضر موضوع توانمند سازی اعضای هیئت علمی فقط از مسیر آئین نامه ای پیگیری می شود که مصوبه شورای اسلامی کردن دانشگاهها است. فرایند ها و هدفگیری این مصوبه موضوع توانمند سازی را در حاشیه برده است به نحوی که بسیاری از اعضای هیئت علمی به صورت صوری در جلسات که تحت عنوان طرح دانش افزایی انجام میگیرد شرکت می کنند چراکه برای ترفیع سالانه و به خصوص موضوع ارتقاء به امتیازت کسب شده شرکت در این برنامه ها نیاز دارند. بازطراحی سیستم توانمند سازی اعضای هیئت علمی نیاز به یک پژوهش مفصل دارد که از اهداف این پژوهش خارج است. ولیکن بر اساس نظرات مصاحبه شوندگان می توان چند رویکرد در این بازطراحی را ارائه کرد.

- قرار دادن موضوع توانمندسازی در برنامه های دانشگاهها و دانشکده ها
- ایجاد یک گواهینامه بین دانشگاهی برای موضوع توانمندسازی.
- استفاده از تجربه اعضای هیئت علمی با سابقه بیشتر در طراحی دوره ها و آموزشها
- جامع دیدن دوره توانمند سازی که شامل همه موارد: تدریس، طراحی درس، تست و سنجش دانشجویان، راهنمایی و مشاوره دانش جویان، ارزشیابی تدریس باشد